

بسم الله الرحمن الرحيم

تمسک به ثوابت سیاسی قوت و تنازل از آن ضعف است

(ترجمه)

اسلام، دینی که همه‌اش ثوابت است؛ احکام، عقاید، فکرة و طریقه و هر چیز مأمور شده و نهی شده از آن، جزء ثوابت می‌باشد. از ثوابت معروف و شناخته شده یکی هم عدم تحالف و همپیمانی بین اسلام و کفر و مدارا/سازش نکردن با کفار در نیمه‌راه می‌باشد.

مسلمان واقعی همیشه از تمسک به ثوابت دین متمایز و شناخته می‌شود که این عمل وی شخصیت، عملکرد و رفتارش را قوت می‌بخشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم کیفیت و چگونگی تمسک به ثوابت را برای ما آموزش داده اند که باید به اندازه گرفتن به دندان‌های نواجذ بدان آن‌ها تمسک ورزید! وقتی کاکای شان، ابوطالب برای شان گفت: پسران کاکایت چنین می‌پندارند که تو آن‌ها را در محفل و مسجدشان آزار و اذیت می‌دهی، پس از این کار خود دست‌بردار شو! راوی می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم چشم به آسمان دوختند و سپس فرمودند: «آیا این آفتاب را می‌بینید؟» گفتند: بلی. آنحضرت فرمودند: «من نمی‌توانم از این کار خود با شما دست بردار شوم، حتی اگر پاره از این را برابم حاضر نمایید.» برای همگان معلوم است که رسول الله صلی الله علیه وسلم درخواست قریش را مبنی بر رهبری، جاه و مال و ازدواج با زیباترین زنان را رد نمودند و همچنین مشارکت با قریش را در مسئله عبادت و پرستش نپذیرفتند؛ آنگاه که ولید بن مغیره، اسود بن مطلب و عاص بن وائل نزد آنحضرت حضور یافتند و گفتند: «ای محمد! بیا، ما معبود تو را می‌پرستیم و تو هم معبودان ما را بپرست و تو را در تمام امور خود شریک می‌سازیم.» و رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب، سوره کافرون را تلاوت نمودند که به صراحت درخواست‌شان را رد می‌نماید. بعد از وفات کاکای شان ابوطالب، کاکای دیگرشان ابولهب در عوض این‌که آنحضرت از ناچیز شمردن و نادان خواندن معبودان و عقل‌های شان دست‌بردار شوند، پیشنهاد حمایت کرد. بنابر این، از ایشان پرسان نمود که «آیا عبدالمطلب وارد جهنم می‌شود؟» رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرکس بر چنان حالی که عبدالمطلب قبض روح شد، بمیرد وارد جهنم می‌شود.» ابولهب لعنت الله علیه گفت: «همیش دشمن تو خواهم بود.»

رسول الله صلی الله علیه وسلم این‌گونه متمسک به ثوابت بودند و هیچ‌گاه با اهل قدرت سازش و مدارا نمی‌کردند و دعوت خود را برای عموم مردم بدون هیچ‌گونه توریه، نیرنگ و مدارا عرضه می‌کردند.

از آن جایی که تمسک به ثوابت مشمول عقاید و احکام شرعی متعلق به فکرة است، همچنین مشمول احکام متعلق به طریقه نیز می‌باشد. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم از قبیله بنی عامر بن صعصعه طلب نصرت نمودند و آن‌ها در عوض تفویض قدرت را بعد از ایشان برای خود طلبیدند، وی صلی الله علیه وسلم با آن‌که سخت محتاج نصرت بودند، با تمام صراحت و وضاحت درخواست‌شان را رد نمودند و گفتند: «فرمانروایی و قدرت از آن الله است و آن را برای هرکس هرگونه که بخواهد واگذار می‌کند.»

ثوابت از چیزهای مسلم شرعی بوده که تا روز قیامت با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌یابد، استقامت بر آن واجب است و تمسک بدان فرض می‌باشد! علاوه بر این، التزام بدان ضرورت حیاتی است و هر جامعه که در راستای تغییر فعالیت می‌کند، از آن استغنا کرده نمی‌تواند و باید بدان تمسک ورزد.

یکی از وظایف اصلی و همیشگی یک دولت اسلامی واقعی و سیاسی اینست که از این ثوابت محافظت کند و دست‌بردار شدن از آن‌ها سبب می‌شود که راه مدارا و سازش را در پیش گرفت که نتیجه آن جز گرفتار شدن امت اسلامی به مصایب و مشکلات چیزی بیش نخواهد بود.

اگر به سیاست خارجی ترکیه در این دهسال اخیر نظر بیندازیم، بطور صریح و آشکارا می‌بینیم که چقدر ثوابت شرعی و ضروری را نادیده گرفته و آن‌ها را قربانی مصالح و منافع بین‌المللی و منطقه‌ای به نفع قدرت‌های بزرگ کرده است! به عنوان

مثال؛ گفتند که جلو حماه دومی را می‌گیریم و نخواهیم گذاشت که سرنوشت آن تکرار شود؛ اما به حماه‌ها اجازه دادند و گفتند؛ ممکن نیست که بر حلب سازش کنیم. عهد خود را شکستاندند و آن را به نظام جنایت‌کار و مجرم تحویل دادند و گفتند؛ ممکن نیست با نظامی که دستش با خون مردمش آغشته است، تعامل و رابطه داشته باشیم؛ اما با آن تعامل مخابراتی و سپس تعامل سیاسی نمودند! گفتند؛ ممکن نیست که در برابر پناهجویان ضعیف و مسلمان سوریه کوتاهی کنیم، اما در حق‌شان کوتاهی روا داشتند، آنان را بیرون راندند و مسئله نژادپرستی را در پیش گرفتند! گفتند؛ ما با نظام‌های دیکتاتور ظالم و غیرمردمی تعامل نمی‌کنیم؛ ولی پرونده روزنامه نگار، جمال خاشقچی را مسدود نمودند و آن را به سعودی سپردند! با متکبرترین دیکتاتورهایی مثل؛ سعودی، مصر و امارات ارتباط برقرار نمودند و روابط خود را عادی ساختند؛ به این ادعا که آنان با رژیم یهود؛ قاتل مردم فلسطین روابط خود را عادی نمی‌سازند؛ ولی روابط خود را عادی ساختند و ارتباطات سیاسی، اقتصادی و تجاری خود را تا آخرین درجه گسترش دادند...!

از مثال‌های دیگر تفریط سیاسی و تنازل از ثوابت، همچنین عملکرد جنبش حماس است که در نوار غزه نمایندگی از قدرت حاکم می‌کند؛ به گونه‌ای که دست از جهاد برداشته، هماهنگی با استخبارات جنایت‌کار مصر را پذیرفته است و با اصل مذاکرات با رژیم یهود از طریق قدرت حاکم در فلسطین موافقت نموده است. یحیی السنوار، رئیس جنبش حماس در غزه گفت: «راهپیمایی مقاومت مردمی در برخورد با خشونت اشغالگران را بطور مسالمت‌آمیز به پیش خواهیم برد.» همچنین جنبش حماس به چه دلیل از محمود عباس تخلف می‌ورزد؟!

اما موسی أبو مرزوق، یکی از فرماندهان جنبش حماس آماده تنازل و دست کشیدن از جهاد علیه رژیم یهود شد و گفت: «مذاکره با اشغالگران هیچ اشکالی ندارد؛ همانگونه که با وی همراهی سلاح مبارزه می‌کنیم، می‌توانیم با کلام مبارزه کنیم!»

گوش دادن به کفار و التزام به تعلیمات و آموزه‌های آن‌ها پایانی ندارد. یکی از مسئولین تحریک طالبان گفت: «از من خواستند تا در عوض به رسمیت شناخته شدن افغانستان در ملل متحد، تطبیق حدود شرعی را لغو کنم.»

گوش دادن به کفار و لیبیک گفتن به خواسته‌ها و مطالب شان پایان ناپذیرست، جز با ترک کل احکام اسلام. حتی با تحقق این هم کفار بی‌کار ننشسته، بلکه تنازلات بیشتری را خواهند طلبید! سپس بعد از این همه خوش‌خدمتی و تنازل، چه بسا این تنازلات به سبب از اسباب مورد پسندشان قرار نگیرد و همراهی پیروانان دیگر خود کار کنند و آن را نیست و نابود کنند و کسی را بیارند که برای شان از نوع دیگری تنازل کند؛ چنان‌که با محمد مرسی رحمه الله در مصر و با عمر البشیر در سودان کردند؛ با وجودی که هر دوی شان از هر چیزی که متعلق به تطبیق شرعیت بود، دست کشیدند و تنازل نمودند.

بنابر این، مطلوب شرعی که بر سیاستمداران لازم و ضروری بوده، تمسک به ثوابت شرعی و رد نمودن فکرة تدریج در فعالیت سیاسی است؛ زیرا پذیرش فکرة تدریج علاوه بر این‌که یک فکرة مخالف با شریعت است، همچنین یک فکرة بسیار مَهْلَک و کُشندهِ‌ای نیز می‌باشد.

نویسنده: احمد الخطوانی

برگرفته از جریده الرایه

مترجم: محمد مزمل